

چهارچوب گونه‌شناسی کارکردی معماری دست‌کند ایران بر پایه مدل میراث جهانی ایکوموس

مهناز اشرفی*

امین کیوانلو**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰

چکیده

فقدان گونه‌شناسی جامع کاربری‌ها در زمینه میراث دست‌کند ضرورت انجام چنین تحقیقی را آشکار می‌سازد. در این راستا با تحلیل و بررسی‌های انجام‌شده این نتیجه حاصل شد که دسته‌بندی‌های موجود اغلب محدود و با ابهامات و سردرگمی‌های فراوان روبه‌رو هستند. هدف این تحقیق دستیابی به چهارچوبی برای گونه‌بندی کارکردی معماری دست‌کند در ایران است. روش تحقیق حاضر تحلیلی-مقایسه‌ای و پیمایشی است که براساس بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای شامل اسناد مرتبط با میراث جهانی، دسته‌بندی‌های موجود میراث دست‌کند در ایران و جهان و همچنین مطالعات میدانی در ایران صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که با توجه به گستردگی جغرافیایی و پیشینه غنی کشور، تنوع آثار دست‌کند ایران به لحاظ کارکردی تفاوت زیادی با کارکردهای آثار ساخته ندارد و می‌توان بخش عمده این کاربری‌ها را در دست‌کندها جست‌وجو نمود. همچنین با بررسی‌های انجام‌شده در تقسیم‌بندی‌های موجود لزوم تنظیم دسته‌بندی که کلیات آن بر پایه چهارچوب شناخته‌شده بین‌المللی و نیز با انواع دست‌کند در ایران مطابقت داشته باشد، محرز شد. از این‌رو به منظور یکپارچه‌سازی و استفاده از ادبیات مشترک جهانی، مدل دسته‌بندی میراث جهانی ایکوموس به عنوان پایه انتخاب شد. در ادامه برای پرهیز از پراکندگی و تداخل موضوعات در دسته‌بندی و درعین‌حال همه‌شمولی آن، مواردی که کلی و در تقسیم‌بندی‌های موجود هم‌جنس نبودند و هم‌پوشانی زیادی در بین انواع مختلف ایجاد می‌کردند، از مدل حذف شدند و نهایتاً با تبعیت از اصطلاحات و تقسیم‌بندی انجام‌شده جهانی و نمونه‌های شناسایی‌شده دست‌کند در ایران، چهارچوبی برای کاربری آثار دست‌کند حاصل شد.

کلیدواژه‌ها:

گونه‌شناسی، چهارچوب موضوعی، میراث جهانی، میراث دست‌کند.

* استادیار، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، نویسنده مسئول، m.ashrafi@richt.ir
** کارشناس ارشد مرمت بنا، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

پرسش‌های پژوهش

۱. چرا دسته‌بندی موضوعی معماری دست‌کند اهمیت دارد؟
۲. چگونه می‌توان چهارچوبی برای کاربردهای اولیه معماری دست‌کند ایران ارائه کرد؟
۳. چگونه مدل موضوعی دسته‌بندی میراث جهانی ایکوموس در این خصوص می‌تواند مؤثر باشد؟

مقدمه

گونه‌شناسی از مقولاتی است که با طبقه‌بندی و سازمان‌دهی عناصر و پدیده‌های مشابه، دسته‌های مختلف خاص را رقم می‌زند؛ در واقع گونه مفهومی مشترک از پدیده‌های خاص را نمایندگی می‌کند. در گونه‌شناسی معماری، تعامل انسان با محیط پیرامون و ویژگی‌های متنوع و متعدد اثرگذار در این معماری بسیار دخیل است و بیش از آنکه توجه به سیما و کالبد را طلب نماید، شناخت و درک عمیق از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر چیرستی و چرایی شیوه استقرار لازم است. از همین روی گونه‌شناسی کاری پیچیده است.

میراث ساخته‌شده که حاصل کشف ارزش‌های نهان و پنهان محیط و تجارب کسب‌شده توسط انسان‌ها طی سالیان متمادی شکل گرفته است، از نظر ویژگی‌های سبک، مواد و مصالح، بستر طبیعی، فرهنگی و نیز کارکردهای گوناگون با یکدیگر متفاوت و متمایزند. از طرفی، باید توجه داشت که «برخلاف میراث طبیعی، میراث فرهنگی پراکنده و متنوع است» (ICOMOS 2004). به این لحاظ لزوم انجام دسته‌بندی در میراث فرهنگی ضرورت خواهد داشت. گونه معماری دست‌کند در سال‌های اخیر با توجه به بحران انرژی، مسائل و چالش‌های پیش‌آمده محیط‌زیستی، همچنین سازگاری هرچه بیشتر آن با بستر طبیعی پیرامون و مصرف کمینه انرژی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است؛ لذا بدیهی است که حفاظت و مدیریت این میراث ارزشمند به یکی از اولویت‌های کشورهای تبدیل شود. بنابراین جا دارد که بیش از پیش در ابعاد گوناگون مورد پژوهش و مطالعه قرار گیرد.

در یکی دو دهه اخیر در ایران نیز توجه بیشتری به مطالعات و حفاظت آثار دست‌کند شده، به‌طوری‌که از سال ۱۳۹۱ تاکنون چهار کنفرانس بین‌المللی با موضوع معماری دست‌کند برگزار شده است. همچنین در حال حاضر دو مرکز علمی و پژوهشی در کشور، به‌طور مشخص به تحقیق در این زمینه می‌پردازند^۱ و بسیاری از مراکز تحقیقاتی نیز کمابیش در این مسیر گام‌هایی برداشته‌اند.

اگر از نقطه نظر کارکرد اولیه به آثار معماری دست‌کند بنگریم، طیف گسترده‌ای از کاربری‌های متفاوت را درمی‌یابیم که بسیار متنوع و بدیع‌اند؛ نظیر سکونتگاه، پناهگاه، آرامگاه، معبد، معدن، راه و... که هرکدام از آن‌ها به انحای گوناگون قابل دسته‌بندی هستند. هدف این تحقیق شناخت بهتر کاربری‌های استفاده‌شده در میراث دست‌کند ایران از طریق رسیدن به چهارچوب مشخص برای دسته‌بندی آن‌هاست که بتواند در شناخت، توسعه مفاهیم، بهره‌برداری‌های جدید و همچنین تعیین روش‌های مختلف حفاظت و مدیریت آن‌ها کمک نماید. به این منظور یافتن چهارچوبی که واجد ساختاری شناخته‌شده و آشنا در بین متخصصان بوده و درعین حال با کارکردهای متنوع معماری دست‌کند و به‌ویژه با نمونه‌های موجود در ایران سازگاری داشته باشد، اهمیت خواهد داشت.

۱. روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی-مقایسه‌ای و پیمایشی است. بدین ترتیب در گام اول بررسی نظری و تحلیل مطالعات مربوط به اهمیت طبقه‌بندی برای میراث فرهنگی و میراث دست‌کند انجام پذیرفت. در گام دوم، دسته‌بندی‌های میراث دست‌کند از نظر انواع و فعالیت‌های انجام‌شده در دهه اخیر بررسی و مورد مطالعات تطبیقی واقع شد و نقاط ضعف و کاستی‌های آن‌ها نقد و بررسی گردید. همچنین چهارچوب گونه‌شناسی موضوعی میراث جهانی تهیه‌شده توسط ایکوموس مورد مطالعه قرار گرفت و به‌منظور دستیابی به زبان مشترک و بهره‌مندی از تجارب انجام‌شده

جهانی، دسته‌بندی موضوعی میراث جهانی به‌عنوان مدل پایه انتخاب شد. در مرحله بعد، از طریق مطالعات میدانی گسترده و کتابخانه‌ای درخصوص مجموعه‌های دست‌کند ایران با توجه به کاربرد اولیه آن‌ها، چیدمان داده‌ها براساس کاربری و در قالب مدل پایه به روش استدلالی انجام شد و مدل اولیه دسته‌بندی شکل گرفت. سپس از طریق تحلیل تطبیقی درخصوص تکمیل و یا حذف انواع دسته‌ها به‌سبب خوانایی، فراوانی، جامعیت، به تلخیص هرچه بیشتر تعداد دسته‌بندی‌ها پرداخته و چهارچوب پیشنهادی و سازگار با انواع میراث دست‌کند ایران تدوین شد. ساختار کلی پژوهش شامل ۶ مرحله است که در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: ساختار پژوهش

مراحل تحقیق	هدف
۱ مطالعات کتابخانه‌ای	درک اهمیت گونه‌شناسی میراث فرهنگی و میراث دست‌کند (مبانی نظری)
۲ مرور ادبیات تحقیق	شناخت پیشینه تاریخی و جمع‌آوری اطلاعات در مورد طبقه‌بندی موضوعی میراث دست‌کند و چهارچوب دسته‌بندی‌های میراث جهانی
۳ مطالعات تطبیقی	انتخاب موضوعی چهارچوب براساس مدل
۴ مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی مجموعه‌های دست‌کند ایران	جمع‌آوری اطلاعات کاربری اولیه میراث دست‌کند در ایران و شناسایی نمونه‌های مختلف
۵ تحلیل و مطالعه تطبیقی	انطباق چهارچوب انتخاب‌شده با انواع میراث دست‌کند در ایران
۶ ارائه چهارچوب	ارائه چهارچوب موضوعی برای طبقه‌بندی میراث دست‌کند ایران

۲. مبانی نظری معماری دست‌کند

واقعیت آن است که برای تعریف انواع معماری کنده‌شده در درون بستر طبیعی، هنوز واژه واحدی به اجماع جامعه بین‌الملل نرسیده است. آنچه بیشتر دیده می‌شود، همراهی واژه Cave است؛ برای مثال، Man made cave, Cave، Underdwellling که به‌نوعی با انسان مرتبط می‌شود. در ادبیات تخصصی اصطلاحات دیگری همچون Rock Cut Architecture یا architecture (اشرفی ۱۳۹۰؛ Varriale 2021b) نیز به چشم می‌خورد.

در متون فرانسه در این مورد یکپارچگی بیشتری وجود دارد و اصطلاح architecture troglodytique تا حد زیادی توانسته است بین انواع این معماری را پوشش دهد. قابل توجه است که استفاده از این واژه در سال‌های اخیر در متون انگلیسی‌زبان و اسناد بین‌المللی نیز کم‌وبیش رایج شده است.

از لحاظ معنایی واژه Troglodyte در فرهنگ آکسفورد «انسانی که در غار زندگی می‌کند» معنا شده است؛ اما این واژه در اصل، واژه‌ای یونانی (Troglodyta) است و از دو بخش Trogle به معنای گودال و حفره و Dynien به معنای نفوذ کردن در داخل چیزی تشکیل شده است؛ بدین ترتیب واژه Troglodytic Architecture را می‌توان معماری نفوذیافته در درون حفره معنا کرد. (Bloch and Wartburg 1989)

رورسکی^۲ نیز این واژه را به معنای «استفاده‌کننده از حفره کنده‌شده توسط انسان» دانسته است (Rewerski 1999, 16). در واقع اگر معماری را به مفهوم عام آن، هنر سامان‌دهی و محصور کردن فضای خالی بنامیم، معماری دست‌کند در تعریفی متفاوت، هنر خلق و سامان‌دهی فضای خالی از درون توده پر معنا می‌شود (اشرفی ۱۳۹۰، ۲۷). در ایران به‌تازگی، برای این نوع از معماری، واژه «دست‌کند» استفاده می‌شود. این اصطلاح در کارگاه زبان‌شناسی اولین کنفرانس معماری دست‌کند (۱۳۹۱) معرفی و پذیرفته شد (بیانیه کرمان ۱۳۹۱).

آثار معماری دست‌کند با توجه به بسترهای طبیعی متفاوت و همچنین با توجه به اقلیم و نیازهای مختلف مردم طی زمان متمادی، بسیار متنوع و با کاربری‌های مختلف شکل گرفته است. در حالت کلی می‌توان آن را به دو دسته دست‌کندهای افقی و عمودی تقسیم کرد. دست‌کندهای افقی آثاری هستند که اولین فعل‌کنندگان در آن‌ها به‌صورت

افقی انجام شده است و در دسته دوم اولین فعل کردن به صورت عمودی انجام می‌شود (Ashrafi 2020). در واقع دست‌کندهای افقی در درون بستر حفر شده بر روی سطح زمین قرار دارند و دست‌کندهای عمودی در زیر سطح زمین قرار می‌گیرند که در این دسته می‌توان از شهرهای زیرزمینی، شبکه قنات‌ها و یا سکونتگاه‌های واجد پاسیو، نورگیر مرکزی (حیاط) در درون زمین و اتاق‌های کنده‌شده پیرامون آن نام برد.

۱.۲. معماری دست‌کند به عنوان میراث فرهنگی

این معماری که با بستر طبیعی درهم‌تنیده است، کمترین مصرف انرژی را دارد و از لحاظ بصری نیز سازگار با منظر طبیعی است؛ بنابراین می‌توان گفت که به بهترین شکل ممکن با محیط پیرامونی سازگاری دارد. آثار خلق‌شده جدید همچون معماری زمین‌پناه ساخته‌شده در سوئیس یا انگلیس و یا اثر معمار مشهور گائودی (کازامیلا) همگی برگرفته از این اصول موجود در معماری دست‌کند است (تصویر ۱ و ۲). همان‌گونه که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، ضمن تبعیت از فرم‌های طبیعی در ایجاد منظر مطلوب با بهره‌گیری از سقف سبز با ضخامت زیاد و تپه‌مانند و جدارهای عمدتاً پر و بدون روزن، عایق حرارتی مناسبی برای بنا ایجاد نموده و مصرف انرژی را به حداقل رسانده است. در تصویر ۲ نیز با خلق منظری جدید، سیمای بصری مطلوب و همخوان با طبیعت ایجاد شده است؛ سیمایی که حاصل خلق فضا در بستر طبیعی در معماری دست‌کند است.



تصویر ۲: کازامیلا طرح گائودی (Liu Jing, and Yue 2017)



تصویر ۱: خانه‌ای در سوئیس عکس از Peter Vetsch

با توجه به دوام و ماندگاری بالای این آثار، امروزه می‌توان انواع متنوعی از این معماری را در کشورهای مختلف یافت که از گذشته‌های دور هنوز بکر و دست‌نخورده باقی‌مانده‌اند و از این‌رو روی گونه‌ای از میراث ارزشمند بشریت به حساب می‌آیند که باید از آن‌ها حفاظت کرد. بسیاری از آن‌ها قابل احیا و استفاده مجدد بوده و یا هنوز هم در حال استفاده‌اند. همچنین این معماری «به عنوان یک نمونه هوشمند معماری بومی است که به نیازهای انسان در ارتباط با خود، جامعه، ساختارهای اجتماعی، موقعیت جغرافیایی، اقلیم، حوادث و طبیعت پاسخ مناسب داده و بر مبنای هویت انسان به صورت حرکتی پویا در طول زمان شکل گرفته است» (طالخنچه، اسلامی، و سلطان‌زاده ۱۴۰۰). از طرفی، همراهی کامل آن با طبیعت و بستر پیرامون موجب شده است که بخش زیادی از این آثار امروزه تحت عنوان منظر فرهنگی در فهرست میراث جهانی مطرح شوند. منظر فرهنگی میمند و ول دو لوار^۲ در فرانسه و یا پارک ملی گئورمه^۴ در کاپادوکیه از جمله مناظر فرهنگی دست‌کند به حساب می‌آیند که در فهرست میراث جهانی قرار دارند. البته قابل ذکر است که چون بسیاری از این آثار نمود بیرونی نداشته و از چشم افراد پنهان بوده‌اند، تاکنون کمتر شناسایی و مطرح شده و در نتیجه تعداد اندکی از آن‌ها حتی در فهرست ثبتی کشورها قرار گرفته‌اند؛ در حالی که در بیشتر آن‌ها هنوز اصالت و سلامت اثر قابل مشاهده است. این آثار می‌توانند در انتقال تجارب و دانش پیشینیان به ما و نسل‌های آینده مؤثر باشند و راهکارهای مفیدی را در ارتباط با سازگاری هرچه بیشتر با محیط‌زیست و معماری زمین‌پناه ارائه دهند.

۲.۲. اهمیت گونه‌شناسی در میراث فرهنگی

گونه‌شناسی در میراث فرهنگی به شناسایی هر چه بیشتر ارزش‌های میراثی و طبقه‌بندی انواع مختلف میراث فرهنگی کمک می‌کند. این شناسایی می‌تواند به تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مؤثر برای حفاظت از این آثار منجر شود و به‌عنوان یک ابزار تحلیلی و مدیریتی عمل نماید.

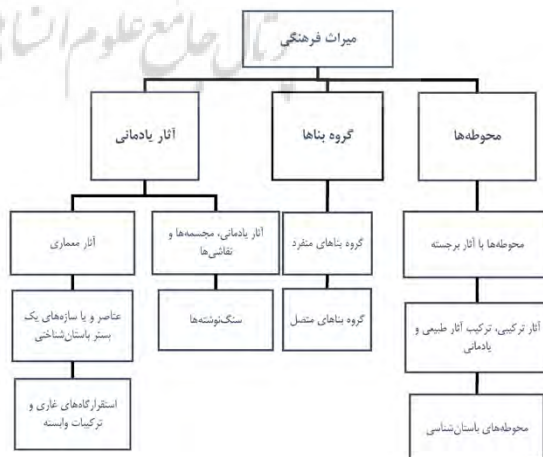
طی سالیان متوالی، یونسکو و نهادهای اجرایی و علمی همسو با آن به‌طور مرتب در حال بررسی تعاریف و دسته‌بندی‌های مختلف‌اند و تاکنون بازنگری‌های متعددی در این خصوص انجام شده است؛ اما با توجه به گستردگی مصادیق میراثی و تغییر و تحول در تعبیر، تفسیر و مفاهیم آن، کار دسته‌بندی از پیچیدگی‌های خاص خود برخوردار است، به‌طوری‌که هنوز هم می‌توان مشکلات آشکاری را در مورد طبقه‌بندی میراث و توصیف دسته‌بندی‌ها یافت. واقعیت آن است که «علم میراث‌شناسی به چهارچوب نظری خود توجهی نکرده و نتوانسته روش‌شناسی خود را پایه‌ریزی نماید و سردرگمی زیادی در تحقیقات، کاربرد و مدیریت میراث به همراه داشته است. بنابراین لازم است که براساس ماهیت و عملکرد، روش‌های حفاظت، مدیریت و الزامات معرفی و عرضه که براساس ماهیت متفاوت انواع میراث دیکته می‌شود، توسط کشورها دوباره دسته‌بندی شوند» (Hua 2010). دسته‌بندی گونه‌های متفاوت میراث ابزار مناسبی برای محققان است که ابعاد مختلف میراث را بهتر شناخته و با دید جامع‌تری به این آثار توجه کنند.

چنانچه در نمونه‌های طراحی‌شده بخش پیش نیز مشاهده شد، امروزه به‌سبب بحران انرژی توجه به معماری دست‌کند و حتی طراحی و یا استفاده مجدد از آن به‌منظور نیل به توسعه پایدار در حال افزایش است؛ اما هنوز ابهامات و بسیاری از ابعاد پنهان و کمتر شناخته‌شده در این آثار وجود دارد. از جمله مشکل طبقه‌بندی این آثار به‌ویژه به‌لحاظ تنوعی که در آن وجود دارد، مسئله جدی است. این دسته‌بندی‌ها می‌توانند با به اشتراک گذاشتن دانش مرتبط و تحقیقات انجام‌شده، رویکردهای جدیدی را برای محققان و نیز حفاظت‌گران مشخص کنند.

۳.۲. دسته‌بندی میراث فرهنگی در میان اسناد

باید توجه داشت که هر طبقه‌بندی نسبی است و با گذر زمان و توسعه دانش می‌تواند تغییر کند؛ چراکه «یک طبقه‌بندی فقط یک توضیح خاص از روابط در یک زمینه خاص است که در یک زمان مشخص، گروهی از افراد در مورد آن توافق کرده‌اند» (ریاحی‌مقدم، طالبیان، و محمدمرادی ۱۴۰۰).

از آنجاکه مفهوم و گستره میراث فرهنگی در طی زمان تغییر کرده است، شاهد انواع دسته‌بندی‌ها در اسناد بین‌المللی در طی زمان هستیم. در اولین تقسیم‌بندی‌ها در کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی سال ۱۹۷۲ میراث به دو دسته میراث فرهنگی و طبیعی تقسیم شد. طبق این کنوانسیون بخش میراث فرهنگی شامل سه دسته یادمان‌ها، گروه بناها و محوطه‌ها بود (یونسکو ۱۹۷۲، بند ۱) (تصویر ۳).



تصویر ۳: تقسیم‌بندی میراث فرهنگی در کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی (یونسکو ۱۹۷۲)

به‌رغم آنکه تقسیم‌بندی سال ۱۹۷۲ در زمان خود لازم و ارزشمند بود، این دسته‌بندی بیش از حد ساده‌سازی شده مورد انتقاد قرار گرفت؛ زیرا «این واقعیت یعنی منظر را که در بیشتر جوامع بشری بیانگر زندگی مردم در بستری است که در آن زیست می‌کنند و در عین حال از نظر فرهنگی به همان اندازه معنادار است، در نظر نگرفته بود (UNESCO 1994, 4).

از این روی این تقسیم‌بندی مورد نقد بسیاری از جوامع قرار گرفت؛ برای مثال در استرالیا که به‌لحاظ دارا بودن میراث بومی، غنی است «استرالیایی‌های بومی تمایل مدیران غربی به مدیریت ارزش‌های یک منطقه را براساس دو دسته مجزا (یعنی ارزش‌های طبیعی و فرهنگی) مصنوعی و ناکافی می‌دانند. مردم بومی جنگل‌های استوایی دیدگاهی کل‌نگر از مفهوم منظر مد نظر داشته و مطرح می‌کنند که ارزش‌های طبیعی و فرهنگی یک منطقه در واقع به‌طور جدایی‌ناپذیر در چهارچوب ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و قانونی درهم‌تنیده شده‌اند. آن‌ها همچنین نگران این هستند که مدیران غربی، به‌ویژه در سطح مدیریت اجرایی، ملاحظات میراث فرهنگی را در درجه دوم ارزش‌های طبیعی قرار دهند (WTWHA 1998, 12).

در تحقیق دیگری در همین کشور مکان‌های مهم و معتبر، اماکن مقدس و مناظر فرهنگی را به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی غیرمنقول از میراث فرهنگی مردم بومی معرفی می‌کند (Schnierer, Ellsmore, and Schnierer 2011).

در همین راستا، کمیته میراث جهانی در سال ۱۹۹۲ تصمیم گرفت تا تفسیر جدیدی از «آثار ترکیبی طبیعت و انسان» را که توسط کنوانسیون تعیین شده است طرح کند و راه را برای ثبت مناظر فرهنگی با ارزش برجسته جهانی هموار نماید (Mitchell, Rössler, and Tricaud 2009, 18).

اگرچه با ورود مفهوم جدید منظر فرهنگی، مرزبندی بین آثار طبیعی و ساخته دست انسان تا حدودی هموار شد، از طرف دیگر در برخی از موارد به ابهامات موجود و تداخل مفاهیم دامن زد. نتیجه این ابهام در دسته‌بندی موجب شد کشورها با توجه به مصادیق میراث خود دسته‌بندی‌های نسبتاً متفاوتی را در نظر بگیرند. برای مثال میراث فرهنگی غیرمنقول در آفریقا به پنج دسته تقسیم شده است: ۱. بناهای تاریخی: قلعه، خانه، معابد، کلیسا؛ ۲. محوطه‌ها: غارها، استحکامات، سایت‌های باستان‌شناسی؛ ۳. گروه بناها: دهکده‌های ماهی‌گیران، استحکامات نظامی؛ ۴. مناظر فرهنگی: جنگل‌های مقدس، پارک؛ ۵. مسیر: راه برده (Africa 2010, 10). همان‌طور که در این تقسیم‌بندی مشاهده می‌شود، دهکده‌های ماهی‌گیری در بخش گروه بناها قرار گرفته است، در حالی که از جنبه دیگر می‌تواند یک منظر فرهنگی هم باشد.

به‌رحال در دستورالعمل مدیریت تنظیم‌شده در سال ۱۹۹۲ تقسیم‌بندی کلی برای ثبت جهانی به سه دسته طبیعی، فرهنگی و مختلط تغییر کرد و سایت‌های میراث فرهنگی جهانی به سه دسته «الف» یادمان‌های تاریخی، گروه‌هایی از بناها و محوطه‌ها؛ ب) گروه بناهای شهری؛ و ج) مناظر فرهنگی تعریف شدند (Filden and Jokilehto 1998, 6). در مورد منظر فرهنگی آنگاه که تعامل انسان با طبیعت جلوه بیشتری داشت، این مناظر در دسته‌بندی کلی میراث فرهنگی قرار می‌گیرند و در برخی موارد که ویژگی‌های طبیعی برجسته در نظر گرفته شده است، ارزش جهانی در زمره معیارهای طبیعی قرار می‌گیرد (Mitchel, Rössler, and Tricaud 2009, 17). به‌رحال هنوز در تعریف مرز بین فرهنگی و طبیعی و نیز در تداخل با سایر مصادیق تعریف‌شده در این دسته‌بندی و به‌ویژه بخش فرهنگی نیاز به بحث و بررسی بیشتری وجود دارد.

۲.۴. جایگاه میراث دست‌کند و دسته‌بندی‌های انجام‌شده

واکوی میراث دست‌کند در اسناد بین‌المللی از این لحاظ اهمیت دارد که اجماع محققان حوزه میراثی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین در این تحقیق سعی شد با بررسی و تکیه بر اسناد معتبر که در رأس آن اسناد ایکوموس جهانی است، به این مهم پرداخته شود.

در اسناد بین‌المللی و دسته‌بندی‌های موجود میراث، همواره نه به‌روشنی اما می‌توان ردپایی از میراث دست‌کند را

یافت. برای مثال همان طور که در نمودار ۲ دسته‌بندی انجام شده در کنوانسیون ۱۹۷۲ دیده شد، یکی از ۱۰ تقسیم‌بندی میراث فرهنگی در گروه آثار یادمانی استقرارگاه‌های غاری^۵ که گونه‌ای از معماری دست‌کند است، لحاظ شده بود (UNESCO 1972).

اصطلاح غار در اسناد دیگری همچون راهنمای میراث فرهنگی (Guidelines for inventories of cultural heritage assets 2012, 22)، ابزار تکنیکی برای مدیریت و حفاظت میراث فرهنگی نیز تکرار شده است. (مسجد، کلیسا، صومعه، آرامگاه؛ مسکونی، صنعتی، اداری، تفریحی، پل، غار، پارک قومی یا منطقه‌ای، پارک باستان‌شناسی، باغ، محل رویداد تاریخی) که البته مبهم است چون می‌تواند غار طبیعی و در نهایت آثار هنرهای انسان‌های پیشین از جمله نقاشی‌های درون غارها مد نظر باشد.

در تحقیقی در مورد میراث فرهنگی بومی استرالیایی، اصطلاح پناهگاه‌های صخره‌ای^۶ در فهرست محوطه‌های میراث بومی ثبت شده که شامل مکان‌هایی است که فعالیت‌های مهمی توسط مردم بومی در آنجا انجام شده یا می‌شود (Schnierer, Ellsmore, and Schnierer 2011).

چنانکه از بررسی سیر تقسیم‌بندی‌ها در موضوع میراث فرهنگی نیز مشاهده شد، در آغاز، این دسته‌بندی‌ها بسیار کلی و عام مطرح شده بودند و به تدریج توسعه یافته و موارد بیشتری را در بر گرفتند. تا این زمان کمتر به تقسیمات جزء‌تر، به‌طور مثال تقسیم‌بندی دوره زمانی، جغرافیایی و یا کارکردی پرداخته شده بود. بیشترین تأکید این تقسیم‌بندی‌ها در اسناد، نخست بر استفاده از واژه غار و طرح کلی موضوع بود. هیچ کدام از این اسناد به شرح و تفصیل آن ورود نکرده‌اند. البته باید توجه داشت که تقسیم‌بندی آثار به سه دسته بنا، مجموعه بناها و محوطه‌ها به‌طور یکسان در اکثر تقسیم‌بندی کشورها مد نظر قرار داشته است؛ اما آنجا که به موضوع و کارکرد وارد شده‌اند، تفاوت‌ها و به عبارتی تنوع آشکار است. در سال ۲۰۰۴ گزارش تحلیلی ایکوموس به‌منظور یافتن چالش‌های موجود در آثار ثبت‌شده جهانی به دسته‌بندی‌های سه‌گانه زمانی، جغرافیایی و موضوعی-کارکردی پرداخت و چهارچوبی را برای تقسیم‌بندی موضوعی در ۱۴ دسته برای میراث جهانی و تعداد آثار ثبتی در هریک را ارائه داد. در گزارش تکمیلی این گزارش که در ۲۰۰۵ میلادی توسط مایکل پتز و هنری کلر به سفارش ایکوموس تهیه شد، از ۱۸ دسته‌بندی به ترتیب زیر نام برده شده است:

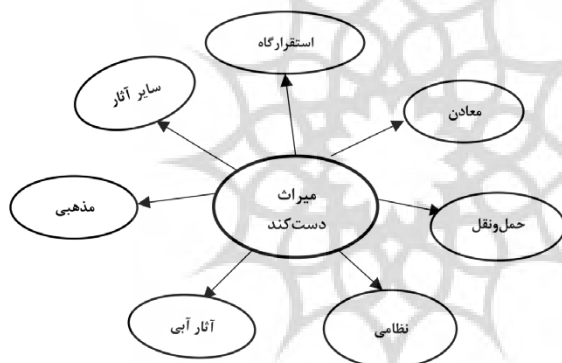
۱. استقرارگاه‌های سکونت؛^۷ ۲. معماری مذهبی و یادبودی؛^۸ ۳. بناهای دولتی و عمومی؛^۹ ۴. بناهای آموزشی و عمومی؛^{۱۰} ۵. معماری تفریحی؛^{۱۱} ۶. معماری کشاورزی؛^{۱۲} ۷. معماری تجاری؛^{۱۳} ۸. معماری صنعتی؛^{۱۴} ۹. معماری نظامی؛^{۱۵} ۱۰. سازه‌های حمل‌ونقل؛^{۱۶} ۱۱. استقرارگاه‌های غاری؛^{۱۷} ۱۲. هنر صخره‌ای، نقاشی‌های یادمانی؛^{۱۸} ۱۳. مجسمه‌های یادبود؛^{۱۹} ۱۴. عناصر و تجهیزات بناهای تاریخی؛^{۲۰} ۱۵. استقرارگاه‌های روستایی؛^{۲۱} ۱۶. استقرارگاه‌های شهری؛^{۲۲} ۱۷. محوطه‌های مقدس؛^{۲۳} ۱۸. مناظر فرهنگی.^{۲۴}

اختلاط موضوع کارکرد با موضوع مالکیت (دولتی و عمومی) یکی از مواردی است که این تقسیم‌بندی را دچار ضعف و ابهام کرده است. همچنین با توجه به اینکه هر موضوع را در سه بخش بنا، مجموعه بنا و محوطه بررسی می‌کند، می‌توان برای مثال محوطه‌های مقدس را ذیل دسته مذهبی و یادبودی قرار داد. حذف واژه معماری در این مورد و در بسیاری از بخش‌ها می‌توانست تقسیم‌بندی را موجز و شفاف‌تر کند. به همین ترتیب استقرارگاه‌های شهری و روستایی نیز می‌توانست با استقرارگاه‌های سکونت در یک بخش قرار گیرد. ضمن اینکه ابهام مناظر فرهنگی کماکان در این تقسیم‌بندی نیز وجود دارد و مشخص نیست یک روستا که در عین حال یک منظر فرهنگی است، در کدام بخش جای می‌گیرد و یا استقرارگاه‌های دست‌کند را آیا نمی‌توان یک منظر فرهنگی و یا یک روستا به حساب آورد؟ به هر حال جای بحث در این خصوص زیاد است. اما مهم این است که بر این دسته‌بندی تا حال حاضر اجماع جهانی وجود دارد و نسبت به سایر شناخته‌شده‌تر است؛ بنابراین توجه به کلیات آن مهم است.

اصطلاح استقرارگاه‌های غاری که هم‌زمان در کنار آن ترجمه فرانسه دست‌کند^{۲۵} قرار داده شده است، ذیل تقسیم‌بندی یازدهم جدول تقسیمات موضوعی مطرح شده و این بار در توضیح روستاهای دست‌کند گورمه ترکیه و شهر مترا (به انگلیسی) نه اصطلاح غار که واژه دست‌کند به کار برده شده است (ICOMOS 2005, 137; 2004, 15).

اما با وجود اختصاص یک بخش از میان ۱۸ مورد، برخلاف سایر بخش‌ها، هیچ‌گونه زیرمجموعه‌ای برای آن قید نشده است. این خود نشان از مبهم بودن و ناشناخته بودن این نوع از میراث، دسته‌بندی آن و لزوم توسعه اطلاعات در این زمینه است. بنابراین جا دارد که با تشریح انواع این میراث گران‌بها، زمینه‌های شناخت هرچه بیشتر آن فراهم شود. اما تلاش برای دسته‌بندی موضوعی معماری دست‌کند کم‌وبیش و به‌شکل پراکنده توسط متخصصان این رشته از دهه ۸۰ آغاز شد. در این مورد بیشترین سهم را ایتالیایی‌ها داشتند که در اوایل دهه ۹۰ میلادی با تشکیل کمیسیون‌هایی مباحث را دنبال کردند. این موضوع در کنگره بین‌المللی غارشناسی در سال ۲۰۰۹ در تگزاس آمریکا و سپس در ۲۰۱۱ در کارگاه آموزشی تورین ایتالیا دنبال و نتایج آن در شماره ویژه Opera Ipogea منتشر شد (Parise et al. 2013, 230).

در شانزدهمین کنگره بین‌المللی غارشناسی در سال ۲۰۱۳ ماریو پرایز^{۲۶} و همکاران در این ارتباط می‌نویسند: «معیارهای اصلی در طبقه‌بندی کنونی دست‌کندها را باید در نیاز به توصیف هر فضای دست‌کند از نظر سن ساخت، تکنیک ساخت و نوع استفاده از آن جست‌وجو کرد» (Prise et al. 2013). درنهایت نیز دسته‌بندی نوع استفاده را در ۷ گروه اصلی آثار زیرزمینی هیدرولیک، سکونتگاه‌ها، آثار مذهبی، نظامی و جنگی، معادن، حمل‌ونقل و سایر همراه با زیرگروه‌های فرعی خلاصه کردند (Ibid).



تصویر ۴: دسته‌بندی پرایز و دیگران (Prise et al. 2013)

واریال^{۲۷} در سال ۲۰۲۱م نیز طی دو مقاله به دسته‌بندی کاربردی و نه لزوماً کاربری معماری دست‌کند و تحلیل دسته‌بندی‌های انجام‌شده پیشین پرداخته و نموداری شامل ۱۱ مؤلفه را در این خصوص پیشنهاد داده است. در این مسیر، محققان فرانسوی نیز با تأسیس بیش از ۲۰ مرکز مختلف مرتبط با موضوع دست‌کند^{۲۸} و تألیف کتب و مقالات متعدد، به دسته‌بندی این معماری تا حدی توجه کردند. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تحقیقات اولیویه لویه^{۲۹} و پاتریک برتلوند^{۳۰} از مؤسسه آرسیت فرانسه نام برد که در بخشی از کتاب خود، معماری دست‌کند فرانسه را از لحاظ ساختاری دسته‌بندی کرده‌اند (Bertholon and Huet, 2005, 32-43). اما عمده این تقسیم‌بندی‌ها ساختاری و به‌لحاظ ریخت‌شناسی معماری دست‌کند است و ویژه اروپا انجام شده است.

در ایران نیز چنان‌که گفته شد، توجه به این گونه از میراث در دو دهه اخیر افزایش یافته و به‌تبع، به گونه‌شناسی آن به‌طور پراکنده و ضمن مطالعات موردی تا حدی توجه شده است؛ اما تحقیقاتی که به‌طور مشخص و فقط به موضوع گونه‌شناسی به‌طور جامع پرداخته باشد، بسیار اندک است. مقاله «گونه‌شناسی معماری دست‌کند» که به‌طور خاص بر موضوع گونه‌شناسی معماری دست‌کند متمرکز است نیز عمدتاً بر جنبه‌های مورفولوژیک و ریخت‌شناسی توجه داشته است (اشرفی ۱۳۹۱). تحقیق دیگری در این ارتباط، کاربری معماری دست‌کند را به سه دسته تدفینی-مذهبی، اقامتی-مسکونی و مخفیگاهی و پناهگاهی تقسیم کرده است (محمدی‌فر و همتی از ندرانی ۱۳۹۴). بسیاری از مطالعات نیز به دسته‌بندی کاربری‌ها در منطقه و محدوده‌های جغرافیایی و یا موضوع خاص پرداخته‌اند؛ از آن جمله می‌توان گونه‌شناسی

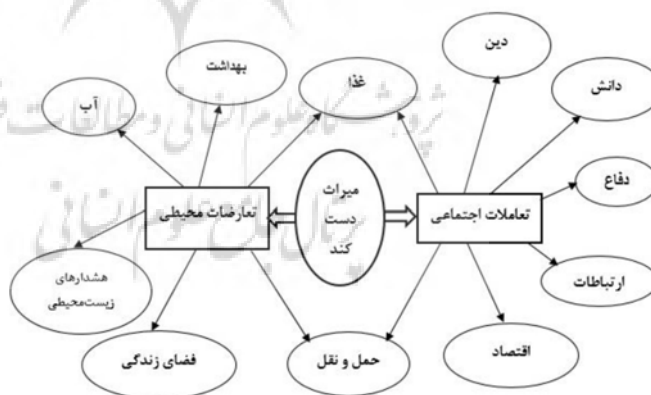
انجام شده در منطقه سهند (آذربایجان شرقی) را نام برد که کاربری این آثار را به ۵ دسته مسکونی، آیینی، استحقاقی، عمومی و عام المنفعه و در نهایت، متفرقه تقسیم کرده است (رازانی، امامی، و باغبانان ۱۳۹۵). برخی از دسته‌بندی‌ها نیز در مقیاس خرد به یک موضوع خاص (برای مثال برده‌گوری) تمرکز داشته و زیرمجموعه‌های آن را دسته‌بندی کرده‌اند (بابامیر ساطعی ۱۳۹۹).

۳. بحث و تحلیل وضع موجود

در تحقیقات و دسته‌بندی‌های انجام شده در سال‌های اخیر که حاصل مطالعات گسترده محققان این حوزه در کشورهای مختلف و ایران است، هنوز موضوع دسته‌بندی آثار دست‌کند جای تعمیق و توسعه بیشتری دارد. این موضوع از دو جنبه قابل بحث است: نخست آنکه هریک از دسته‌بندی‌های انجام شده دارای ابهامات و هم‌پوشانی‌هایی هستند که نیاز به بازنگری و تکمیل بیشتر دارند و می‌توانند ابعاد گسترده‌تری را شامل شوند. برای مثال، واریال معتقد است که این طبقه‌بندی‌ها دو انتقاد اصلی دارند: اول آنکه آن‌ها تمام آثار دست‌کند را بدون در نظر گرفتن ارزش آن‌ها در زمینه میراث فرهنگی شامل می‌شوند، که می‌تواند به پروژه‌های ارزش‌گذاری منجر شود؛ دوم اینکه این طبقه‌بندی‌ها ایستا هستند و تحولات تاریخی از نظر کارکردها را در نظر نمی‌گیرند (Varriale 2021a).

همان‌طور که ذکر شد، واریال نموداری را در این زمینه پیشنهاد داده است که در آن ۱۱ تابع مرتبط با مدیریت تعارضات محیطی یا تعاملات اجتماعی، و گاهی هر دو، در نظر گرفته شده‌اند. این توابع عبارت‌اند از: ۱. فضای زندگی؛ ۲. هشدارهای محیطی؛ ۳. آب؛ ۴. بهداشت؛ ۵. دین؛ ۶. دانش؛ ۷. ارتباطات؛ ۸. دفاع؛ ۹. اقتصاد؛ ۱۰. حمل و نقل؛ ۱۱. غذا (Varriale 2021b).

چنان‌که در این تقسیم‌بندی (تصویر ۵) مشاهده می‌شود، واریال بر جنبه‌ها و ویژگی‌های مختلف فضاهای دست‌کند تأکید دارد و به‌طور ویژه بر تعاملات و تعارضات اجتماعی و زیست‌محیطی تمرکز می‌کند؛ بنابراین، تأکید او فقط بر کاربری‌ها نیست. همچنین باید اذعان داشت که تعاملات اجتماعی نتیجه پاسخ‌گویی به شرایط زیست‌محیطی، از جمله تعارضات مربوط بوده است و نمی‌توان جدایی بین این دو قائل شد.



تصویر ۵: تقسیم‌بندی میراث دست‌کند براساس ویژگی‌ها و کارکردها از نگاه واریال. ترسیم: نگارندگان برگرفته از (Varriale 2021b, 32)

نزدیک‌ترین تقسیم‌بندی مرتبط با موضوع این تحقیق را شاید بتوان تقسیم‌بندی پرایز و همکارانش دانست (تصویر ۴). ایشان هفت دسته را در این ارتباط ترسیم کرده‌اند. دسته هفتم تحت عنوان «سایر آثار» قید شده است که نمی‌تواند تصویر روشنی از آثار به دست دهد و بقیه دسته‌بندی‌ها نیز تمامی موارد را پوشش نمی‌دهند. برای مثال، انواع دست‌کندهای مرتبط با کشاورزی و تولید که رکن اساسی معیشت انسان را تشکیل می‌دهند و از اهمیت فراوانی

مناظر فرهنگی	۱۸	محوطه‌های مقدس	۱۷	شهرها	۱۶	روستاها	۱۵	تجیه‌رات	۱۴	یادمان‌ها	۱۳	هنر صخره‌ای	۱۲	استقرارگاه‌های دست‌کند	۱۱	حمل‌ونقل	۱۰	نظامی	۹	صنعتی	۸	اقتصادی	۷	کشاورزی	۶	فرهنگی تفریحی	۵	آموزشی	۴	عمومی	۳	ملهی	۲	مسکونی	۱
--------------	----	----------------	----	-------	----	---------	----	----------	----	-----------	----	-------------	----	------------------------	----	----------	----	-------	---	-------	---	---------	---	---------	---	---------------	---	--------	---	-------	---	------	---	--------	---

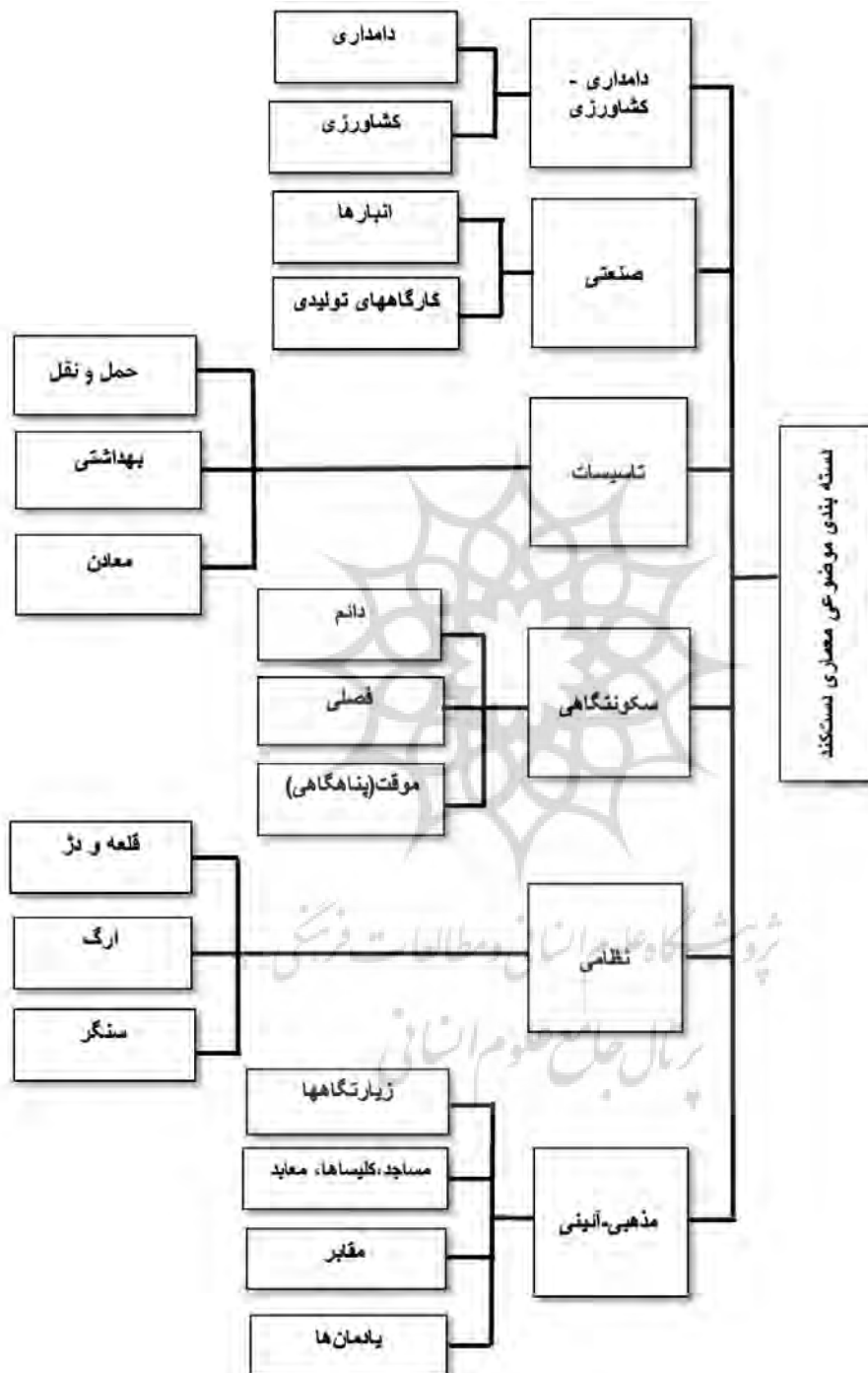
آنچه در این تقسیم‌بندی نیز جای ابهام دارد، تداخل برخی از موضوعات با دیگری و به عبارت بهتر، کلی بودن برخی و هم‌پوشانی آن‌ها با یکدیگر است. برای مثال معماری بومی که در نسخه ۲۰۰۴ وجود داشت و یا منظر فرهنگی، موضوعات کلی هستند و می‌توانند بسیاری از دسته‌های دیگر جدول را پوشش دهند. در واقع معماری دست‌کند که در بخش ۱۱ جدول قرار می‌گیرد، هم جزئی از معماری بومی و هم یک منظر فرهنگی است و در بعضی موارد می‌تواند در قالب یک روستا یا شهر دست‌کند جلوه‌گر شود. به نظر می‌رسد این تقسیم‌بندی نیز نیاز به بازنگری و تدقیق دارد. اما با اشراف به گستردگی کارکرد میراث فرهنگی و از آنجاکه این مدل به‌منظور پوشش دادن به تمامی انواع میراث کشورها طراحی شده و به‌طور گسترده‌ای در بین کشورها شناخته و پذیرفته شده است، در تهیه پرونده‌های ثبت جهانی، به‌طور مشترک از این عناوین استفاده می‌شود و از شمول نسبتاً کامل تر و قابل قبول‌تری برخوردار است.

بنابر آنچه درخصوص جدول ۲ و تداخل و هم‌پوشانی برخی از موارد با یکدیگر مطرح شد، گزینه‌هایی که می‌توانستند در سایر ادغام شوند، از جدول فوق حذف شدند و فقط نیمی از آن‌ها که در جدول هایلایت شده‌اند، مد نظر قرار گرفتند. در این بین، شهرها و روستاها نیز ذیل بخش مسکونی قرار داده شدند. همچنین به نظر می‌رسید که حمل‌ونقل بخشی از تجهیزات مجموعه‌هاست که می‌تواند زیرمجموعه تأسیسات و زیرساخت‌ها قرار گیرد. کارکرد اقتصادی نیز بسیار کلی بود و قاعدتاً یا در کشاورزی و یا بخش صنعت می‌توانست دیده شود و به این دلیل حذف شد. در بخش کشاورزی به‌رغم اینکه در تعریف امروزی آن، همه معیشت‌های تولیدی مبتنی بر ظرفیت‌های طبیعی ازجمله دامداری را شامل می‌شود، برای تأکید بیشتر و با توجه به تکرر و تنوع نمونه‌ها و مصادیق فضاهای دست‌کند مرتبط با دامداری در ایران، در کنار کشاورزی تأکید شد. بنابراین با بررسی کمبودها و کاستی‌های دسته‌بندی‌های انجام‌شده در این زمینه و با حذف و یا تجمیع کاربری‌های تکرارشونده و مشترک در عمده این دسته‌بندی‌ها و نیز انطباق آن‌ها با کارکردهای شناخته‌شده در ایران، دسته‌بندی منطبق با آثار دست‌کند ایران که بتواند همه نمونه‌های موجود را در مختصرترین شکل ممکن پوشش دهد، تنظیم شد. بدین ترتیب ۶ دسته‌بندی کلی به دست آمد: ۱. سکونتگاهی؛ ۲. مذهبی، آیینی؛ ۳. تأسیسات؛ ۴. نظامی، دفاعی؛ ۵. دامداری و کشاورزی؛ ۶. صنعتی.

در مرحله بعد تلاش شد تا برای هریک از این تقسیمات شش‌گانه (براساس کاربری‌های مرتبط شناسایی و معرفی‌شده در کشور)، دسته‌های خردتر تنظیم شوند و ذیل تقسیمات کلی‌تر قرار گیرند (تصویر ۶). سپس در راستای تفکیک اقسام متنوع کاربری‌ها و ارائه جزئیات دقیق‌تر به تبعیت از دسته‌بندی ایکوموس (مدل پایه)، انواع میراث دست‌کند در هریک از بخش‌های شش‌گانه در سه گروه بناها، بافت‌ها و محوطه‌ها تقسیم شد (جدول ۳). موضوعی که در هیچ‌یک از نمونه‌های پیشین در مورد دست‌کندها در نظر گرفته نشده است. تفکیک آثار دست‌کند به این سه گروه در چرخه جدید، منظم و دقیق‌تری را به روی محققان خواهد گشود.

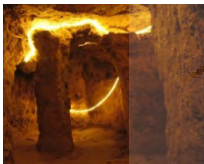
بدیهی است این تقسیم‌بندی نتیجه شناسایی نمونه‌ها و مصادیق تا به امروز در ایران است و با گسترش دانش ما و سایر محققان انتظار می‌رود که توسعه یابد. برای مثال در بخش کشاورزی و دامداری جا داشت که زنبورداری هم به تقسیمات اضافه می‌شد، اما با توجه به اینکه تاکنون در ایران نمونه‌ای از کندوهای دست‌کند برخلاف سایر نقاط در جهان که نمونه‌هایی از آن معرفی شده‌اند، گزارش نشده است، ضمن اشاره به آن از اضافه کردن در تقسیمات اصلی خودداری شد. حال آنکه در مورد کشاورزی دست‌کند در ایران نمونه‌های شاخص و قابل توجهی همچون کهره‌های انگوری بوشهر، چاه‌های نخل سیراف یا مزارع دست‌کند چاله‌سنبک، آسیاب‌های زیرزمینی و کبوترخانه‌های دست‌کند شناسایی و معرفی شده‌اند که منحصر به فردند. از مصادیق دامداری نیز انواع زاغه‌ها که در سراسر کشور موجود و بسیاری در حال استفاده‌اند و یا سرآغل‌های میمند را می‌توان نام برد.

در بخش صنعتی، کارگاه‌های تولیدی ازجمله کاربافی‌های دست‌کند میمند و یا عبابافی‌های نایین نمونه‌های بارزی در کشور بود که می‌توانست بر استفاده از واژه کارگاه صحنه‌گذار. حال آنکه در سایر نمونه‌های جهانی چنین موردی گزارش نشده و به تبع در تقسیمات آن‌ها مد نظر قرار نگرفته است. انبارهای نگهداری مواد غذایی در همه‌جا به دلیل آسایش حرارتی مطلوب، دما و رطوبت مناسب مورد استفاده کشاورزان و تولیدکنندگان و از تکرر و اهمیت زیادی



تصویر ۶: دسته‌بندی کارکردی معماری دست‌کند

جدول ۳: دسته‌بندی کارکردی میراث دست‌کند براساس مدل ایکوموس

انواع	کاربری‌ها	بناها (M)	گروه بناها (G)	محوطه‌ها (S)	نمونه‌ها در ایران
سکونتگاه‌ها (D)	۱. بناد مانگنوکند (D.P)		شهرها، مراکز شهرها، روستاها و دیگر گروه‌های سکونت‌های (G.D.p)		روستای کندوان (G.D.p) 
	۲. سکونتگاه فصلی (D.S)		روستاها، گروه بناهای سکونت‌های (G.D.s)		منظر فرهنگی میمند (G.D.s) 
	۳. سکونتگاه موقت، پناهگاه (T.D)	سکونتگاه موقت منفرد، مخفیگاه (M.D.t)	مجموعه بناها، روستاها، شهرهای زیرزمینی (G.D.t)	پناهگاه‌های تاریخی، مخفیگاه‌ها (S.D.t)	بردگری، چهارمحال و چابهار (M.D.t) پختیا، کرمان (G.D.t) 
	۱. مساجد و معابد (R.te)	بناها و سازه‌های مرتبط مذهبی، معابد، مساجد، کلیساها، مهرابه‌ها، میترائیوم‌ها، اماکن مقدس، کنیسه‌ها (M.R.te)	گروه معابد یا مجموعه‌ای بزرگ از معابد (G.R.te)	محوطه‌ها و مناظر با عملکرد معبد (S.R.te)	غار رئیس کانان (G.R.te) کلیسای آنتیوخیا، آسی (M.R.te) 
مذهبی، آئینی (R)	۲. مقابر (R.to)	مقابر منفرد (M.R.to)	گروه مقابر یا ارتباطات مستدل تاریخی (G.R.to)	مکان‌ها یا مناظر با تداغی مقبره و یا مجسمه (S.R.to)	چاه مرتضی علی، قبرستان هفتاد ملا (S.R.to) 
	۳. زیارتگاه‌ها (R.sh)	بناهای منفرد مرتبط با زیارتگاه‌ها (M.R.sh)	گروه بناها با عملکرد زیارتگاهی (G.R.sh)	محوطه‌ها و مناظر زیارتگاهی و معنوی، مناظر مقدس (S.R.sh)	غار مرتضی علی فارس (M.R.sh) چک‌چک (G.R.sh) 
	۴. یادمانی (R.m)	بناهای مرتبط با باورها، افراد و رویدادها (M.R.m)	سکونتگاه‌ها و شهرهای تاریخی یادمانی (G.R.m)	محوطه‌های مرتبط با جوامع و مناظر یادمانی (S.R.m)	تنگ چوگان، بیشاپور فارس (S.R.m) 
					یادمانی سکونتگاهی (G.R.m) 

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۶ - پاییز و زمستان ۱۴۰۳

 کاروان سرای حوض پای سنگ، پزد (M.F.t) (ت.ف.م) (F.t)	 راه‌های تجاری، راه‌های شاهی و سلطنتی، راه‌های زیارتی، کانال‌ها، راه‌آهن، قنات، قمش، حوض‌انبارها (S.F.t)	یادمان‌های مرتبط با حمل و نقل، حمل و مردم مثل کاروان‌سراها حمل و نقل آب و... مثل کانال‌ها، پل‌بندها، سد‌ها (M.F.t)	۱. سازه‌های ترابری (F.t) A. راه‌ها b. راه‌های آبی	
 قبرستان یا آب‌انبارهای سیراف (S.f.s) (س.ف.س) (F.s)	 تخت جمشید (M.f.s) (ت.ف.م) (F.s)	چشمه‌ها، آب‌انبارها، چاه‌ها، حوض‌انبارها، حمام‌ها (M.F.s)	۲. تأسیسات بهداشتی (F.s)	تأسیسات (F)
آب‌انبار چاه‌انجیری (M.f.s) حمام میمند (M.f.s) چاه تخت جمشید (S.f.s) (M.f.s) حمام گیوی (M.f.s) حمام کرم (M.f.s)				
 معدن نمک گرمسار (S.F.m) (س.ف.م) (F.m)	 محوطه‌ها و مناظر مرتبط با معدن (S.F.m)		۳. معادن (F.m)	
قلعه هشتادان (M.m) محوطه کافرکی (S.m) سنگ‌های قلعه الموت (G.m)				
 نارین قلعه میبد عکس: ذات‌الله بیگزاد (M.m) (نارین قلعه روستای جوبین سمن قلعه روستای بیگزاد (S.m)	 محوطه‌های تاریخی دفاعی، سیستم‌های دفاعی، استحکامات مرزی (S.m)	مجموعه بناهای دفاعی (G.m)	قلعه‌ها، دژها، ارگ‌ها، سنگرها (M.m)	نظامی (M) بناها، فضاها و مجموعه‌های دفاعی
 مزارع چاله سنبل، کاشان (S.A.a) (مزارع چاله سنبل، کاشان)	 سیستم‌ها و مناظر کشاورزی محوطه‌های مرتبط با کشاورزی (S.A.a)	سکونتگاه‌های کشاورزی (G.A.a)	مزرعه چاه (M.A.a)	۱. کشاورزی (A.a)
سر آغل‌های میمند (M.A.h) (سر آغل‌های میمند)				
 کوتل‌خانه‌های رابع‌آباد (M.A.h) (کوتل‌خانه‌های رابع‌آباد عکس: سید سناوراد)	 محوطه‌ها و مناظر مرتبط با دامداری (S.A.h)	مجموعه‌های دامداری (G.A.h)	آغل‌ها و زاغه‌ها، تأسیسات دامداری، کیوترخانه‌ها، زنبورستان‌ها (M.A.h)	۲. دامداری (A.h)
آسیاب ریگاره ناین (M.i)، انبارهای ذخیره غلات روستای موغان، انبارهای ذخیره سیب‌زمینی روستای کردعلیا، کارگاه‌های کارایی میمند (G.i)، معدن نمک گرمسار، معدن سنگ اشکنان چهارم				
 آسیاب لوسنگی میبد (M.i) (آسیاب لوسنگی میبد)	 معدن (S.i)	مجموعه کارگاه‌های تولیدی، مجموعه انبارهای ذخیره غلات (G.i)	تأسیسات ذخیره آب، آسیاب‌ها، پل‌بندها، سد‌ها (M.i)	صنعتی (I) بناها و فضاها، تولید، برداشت و ذخیره کالا، مواد مصالح

برخوردار بوده‌اند. در ایران تاکنون نمونه‌های زیادی معرفی نشده است؛ اگرچه انبارهای نگهداری سبب‌زمینی در مجموعه زیرزمینی موغان استان اصفهان هنوز فعال و مورد استفاده کشاورزان است. از این‌روی در جدول ۳ مطرح شد. بخش تأسیسات از تنوع گسترده‌ای برخوردار و شامل حمل‌ونقل، بهداشتی و معادن است. این بخش قابلیت آن را خواهد داشت که با شناسایی موارد بیشتر در آینده توسعه یابد. بخش حمل‌ونقل شامل مسیرهای جاده‌ای، آبی و تأسیسات وابسته حفر شده از جمله قنات‌ها، چاه‌های آب‌طلا در لافت، راه شاهی در فارس و یا سایر تأسیسات وابسته به راه از جمله آب‌انبارها و یا کاروان‌سراهای بین راهی است. کاروان‌سرای دست‌کند پای‌حوض در استان یزد نمونه‌ای از این‌دست است. این بخش همچنین شامل کاربری‌های بهداشتی از جمله آب‌انبارهای ذخیره آب یا حمام‌های دست‌کند همچون حمام دست‌کند میمند و یا پیش‌استاست. از دیگر تقسیمات بخش تأسیسات، معادنی که مواد اولیه مصالح و مواد مورد نیاز را تأمین کرده‌اند مانند معادن نمک گرمسار و یا معدن سنگ اشکنان جهرم را می‌توان نام برد. با توجه به گستردگی جغرافیایی سرزمین ایران تنوع بخش حمل‌ونقل قابل پیش‌بینی است.

در تقسیم‌بندی نظامی نیز قلعه‌ها یا دژها و ارگ‌ها و سنگرها را می‌توان در نظر گرفت. دست‌کندهای نارین قلعه میمند، قلعه روستای جوبین، سنگرهای قلعه الموت و دست‌کندهای نظامی کافرکلی‌های آمل در این بخش قرار می‌گیرند. در بخش سکونتگاه‌ها با توجه به نمونه‌های شناسایی شده تاکنون سه نوع سکونت دائم همچون کندوان تا حال حاضر و صور و حیلهور در گذشته، فصلی مثل روستاهای میمند، سرآقا سید و جوبین و موقت، شهرهای زیرزمینی به‌طور مثال اوبی نوش‌آباد، دولت‌آباد و یا کردعلیا در استان اصفهان را می‌توان نام برد. بخش آیینی-مذهبی از مواردی است که به‌ویژه در ایران با توجه به ریشه‌های اعتقادی و مذهبی عمیق از تنوع فراوانی برخوردار است. از این‌روی در چهار بخش زیارتگاه‌ها، مساجد-کلیساها و معابد، مقابر و یادمان‌ها مورد تأکید واقع شد. مساجد دست‌کند میمند، ابادر و مزار، و یا کلیسای سعدل و غار رییس از این جمله‌اند. در بخش مقابر آرامگاه‌های شاخص نقش‌رستم، باباقدردت خراسان و یا گوردخمه‌ها نشان بارز در کشورمان هستند. در بخش زیارتگاه‌ها پیرچک‌چک یزد و غار مرتضی‌علی فارس نمونه‌هایی شناخته شده‌اند. در نهایت در ارتباط با یادمان‌ها می‌توان از طاق بستان کرمانشاه و یا تنگ چوگان بیشاپور نام برد.

چنان‌که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، تلاش شده است که زیرمجموعه‌های هر دسته با توجه به نمونه‌های شناسایی شده طی مطالعات کتابخانه‌ای و نیز مشاهدات میدانی، ذیل دسته‌بندی‌های شش‌گانه قرار گیرند و به‌لحاظ روشن‌تر شدن هریک از این تقسیمات، مصداق‌هایی از هر کدام معرفی شوند. این تقسیم‌بندی می‌تواند در آینده همراه با تحقیقات سایر محققان بیش از پیش کامل شود و برخی از موارد در جدول که هنوز نمونه‌ای برای آن شناسایی نشده، در آینده مورد کاوش بیشتری قرار گیرد.

نتیجه

توجه به الگوهای دسته‌بندی‌های انجام‌شده میراثی و به‌ویژه در مقیاس جهانی می‌تواند در ایجاد فهم مشترک از معماری دست‌کند و نیز معرفی بهتر انواع این آثار کمک کند. همچنین با به اشتراک گذاشتن دانش بومی در این زمینه و بهره‌مندی از تحقیقات گسترده انجام‌شده اطلاعات سرزمین‌های مختلف، رویکردهای جدیدی را برای محققان و نیز حفاظت‌گران عرضه نماید.

مطالعات تطبیقی دسته‌بندی‌های انجام‌شده در موضوع میراث‌فرهنگی و به‌ویژه میراث دست‌کند نشان داد به‌رغم تحولات و تغییرات هنوز ابهامات زیادی در هر دو موضوع وجود دارد. دسته‌بندی‌هایی که جامع‌نگر، همه‌شمول و درعین‌حال مجمل و انعطاف‌پذیر باشند، وفاق و شفافیت بیشتری را برای مخاطبان به ارمغان می‌آورند.

یکی از مهم‌ترین این دسته‌بندی‌ها، دسته‌بندی کارکردی برای معماری دست‌کند است که در ایران با فقدان آن روبه‌رو هستیم. بررسی‌ها بیانگر آن است که باید یک دسته‌بندی تنظیم شود که از یک طرف کلیات آن بر پایه چهارچوب بین‌المللی و از طرف دیگر با انواع دست‌کند در ایران مطابقت داشته باشد. در این راستا توجه به مدل دسته‌بندی ایکوموس جهانی و استفاده از اصطلاحات و عناوین به‌کارگرفته‌شده و البته حذف برخی از آن‌ها به‌دلیل ابهامات و هم‌پوشانی‌های

موجود، شیوه مناسبی است که ضمن استفاده از اصطلاحات و دسته‌بندی‌های اجماع‌شده جهانی به تشریح و توسعه بهتر انواع آثار دست‌کند کمک می‌کند. انتخاب آخرین دسته‌بندی موضوعی (۲۰۰۵) در مورد میراث جهانی که با توجه به گستردگی انواع میراث فرهنگی تنظیم شده است و از این‌رو که تفاهم جهانی مشترک را به دنبال دارد، الگوی مناسبی به‌عنوان مدل پایه است. از طرفی، با توجه به موضوع کارکرد و استفاده از عناوینی همچون مناظر فرهنگی، دولتی و عمومی، موجب ابهام در دسته‌بندی شده و ترجیح داده شد که از جدول مذکور حذف شوند. لزوم توجه به این موضوع و بازنگری در آن‌ها جدی و قابل بازنگری است. استفاده از عناوین کلی و نامتجانس با این کار از سردرگمی جلوگیری کرده و انسجام و مفاهیم بیشتر و زبان مشترکی را در میان اسناد و مطالعات ایجاد خواهد کرد. از نقاط قوت این تقسیم‌بندی در نظر گرفتن سه بخش بناها، مجموعه بناها و محوطه‌هاست. هریک از این سه بخش موارد و موضوعات خاص و متفاوت خود را شامل می‌شوند که با توجه به نقش و جایگاه درست خود از ۱۹۷۲م تاکنون در همه اسناد جهانی حفظ شده‌اند و به همین روی در تقسیم‌بندی این تحقیق هم منظور شدند.

مشخص است که کاربری بناها و مجموعه‌ها در پاسخ‌گویی به نیاز استفاده‌کنندگان آن شکل گرفته‌اند و با توجه به گستردگی جغرافیایی و پیشینه غنی کشور و قابلیت‌های معماری دست‌کند، تنوع آثار دست‌کند ایران به‌لحاظ کارکردی تفاوت زیادی با کارکردهای آثار ساخته ندارد و بخش عمده این کاربری‌ها در دست‌کندها نیز قابل مشاهده است. البته به‌دلیل محدودیت‌هایی که در بسترهای طبیعی مناسب کندن وجود داشته است، آسایش حرارتی، صوتی و بصری، پنهان بودن در درون زمین و دور بودن از گرما و سرمای شدید بیرونی، برخی از کاربری‌ها همچون مذهبی-آیینی، نظامی و پناهگاهی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ به‌طوری‌که این‌گونه آثار در بیشتر کشورها وجود دارند و در اکثر تقسیم‌بندی‌ها دیده می‌شوند.

شرایط سخت آب‌وهوایی، زمین‌های محدود برای کشت و زرع و تبخیر زیاد آب در ایران، پاسخ‌های متنوع و خلاقانه‌ای را موجب شده که این تنوع در سایر کشورها کمتر قابل مشاهده است. از این‌رو انواع کشاورزی دست‌کند (مزارع چاله‌سنبک، چاه‌های نخل و یا کهره‌های انگوری) ویژه این سرزمین شکل گرفته‌اند. خلق قنات گواه زنده این ادعاست. وجود کارگاه‌های بافندگی و یا نمدمالی در درون دست‌کندها (کاربافی، عبابافی، گلیم و فرش) نیز ویژه بافندگان ایرانی است که موجب ایجاد فضاهای دست‌کند در این سرزمین شده‌اند. همچنین انواع عناصر و تأسیسات وابسته به راه از جمله آب‌انبارها، آسیاب‌های دست‌کند، حمام‌ها و کاروان‌سراهای دست‌کند با توجه به گستردگی پهنه جغرافیایی کشور و نیاز به راه‌های ارتباطی گسترده از تنوع زیادی نسبت به سایر کشورها برخوردار است.

در این تحقیق تلاش شده است تا با استفاده از تنوع و تعدد آثار دست‌کند ایران، مدلی برای کارکردهای معماری دست‌کند در مختصرترین شکل ممکن ارائه شود که بتواند اکثر نمونه‌های ایران و تا حد زیادی سایر کشورها را پوشش دهد و در عین حال منطبق با دسته‌بندی‌های ایکوموس و میراث جهانی باشد. محققان با بررسی آثار دست‌کند خود و لحاظ نمودن سایر نمونه‌های احتمالی، در آینده می‌توانند این مدل را توسعه داده و به غنای آن بیفزایند. درک و شناخت همه ابعاد این میراث، ما را در حفاظت صحیح و استفاده از اصول به‌کاررفته در این معماری در راستای توسعه پایدار کمک خواهد کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. گروه پژوهشی معماری دست‌کند در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و کمیته علمی معماری دست‌کند (ایکتا) در ایکوموس ایران.

2. Rewerski

3. Val de Loire

4. Georme National Park

5. Cave Dwellings

6. rock Shelters
7. Domestic Habitat
8. Religious and Commemorative Architecture
9. Governmental and Public Buildings
10. Educational and Public Buildings
11. Recreational Architecture
12. Agricultural Architecture
13. Commercial Architecture
14. Industrial Architecture
15. Military Architecture
16. Transport Structures
17. Cave Dwellings
18. Rock Art, Monumental Painting
19. Monumental Sculpture, Dolmens
20. Equipping Historic Buildings
21. Rural Settlements
22. Urban settlements
23. Sacred Sites
24. Cultural Landscapes
25. Troglodyte
26. Mario Parise
27. Varriale
28. Arsite, Monde Souterrain, etc
29. Olivier Huet
30. Patrick Bertholon

منابع

- اشرفی، مهناز. ۱۳۹۰. پژوهشی در گونه‌شناسی معماری دست‌کند. *نامه معماری و شهرسازی*، ش. ۷: ۲۵-۴۸.
- بابامیر ساطحی، سعید. ۱۳۹۹. پژوهشی نو بر مفهوم کارکردی معماری صخره‌ای (دست‌کند) کوچ‌نشینان بختیاری با رویکرد قوم‌باستان‌شناسی (مطالعه موردی: برده‌گوری‌ها). *جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام*، ش. ۱: ۱۵۵-۱۶۶.
- بیانیة کرمان (بند پایانی). ۱۳۹۱. *اولین همایش معماری دست‌کند*. کرمان.
- رازانی، مهدی، سید محمدامین امامی، و علیرضا باغبانان. ۱۳۹۵. طبقه‌بندی و تحلیل کاربردی معماری صخره‌ای در دامنه کوه آتش‌فشانی سهند در شمال غرب ایران. *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، ش. ۲: ۴۱-۶۰.
- ریاحی‌مقدم، ساشا، محمدحسن طالبیان، و اصغر محمدمرادی. ۱۴۰۰. واکاوی مؤلفه‌های مؤثر بر طبقه‌بندی آثار میراث معماری براساس رویکردها و سیاست‌های حفاظت در کشورهای اروپا. *دوفصلنامه مطالعات معماری ایران*، ش. ۲۰: ۲۱۳-۲۳۷.
- طالخونچه درویش، نرگس، سید غلامرضا اسلامی، و حسین سلطان‌زاده. ۱۴۰۰. واکاوی اثربخشی نظریه ساختارهای زنده کریستوفر الکساندر در معماری دست‌کند در راستای تحقق بومی‌سازی در معماری (مطالعه موردی: دست‌کندهای استان اصفهان). *فضای زیست*، ش. ۲: ۵۹-۸۰.

- محمدی‌فر، یعقوب، و اسماعیل همتی ازندریانی. ۱۳۹۵. مطالعه و بررسی معماری دست‌کند ایران. مسکن و محیط روستا، ش. ۱۱۰-۹۷: ۱۵۶.

- Africa 2009. 2010. *Conservation of Immovable Cultural Heritage in sub-Saharan Africa: CRAterre*. ISBN 978-2-906901-65-0© CRAterre – ENSAG.
- *A Handbook for Conservation and Management*. World Heritage Centre UNESCO.
- Ashrafi, Mahnaz. 2020. *L'architecture troglodytique comme patrimoine*. France: Arsité.
- Bertholon, Patrick, and Olivier Huet. 2005. *Habitat creuse, Le patrimoine troglodytique et sa restauration*. France: Eyrolles.
- Bloch, Oscar, and Walter von Wartburg. 1989. *Dictionnaire étymologique de la langue française 4e éd.* Presses Universitaires de France. 8 Edition.
- Guidelines for inventories of cultural heritage assets. 2012. *Technical tools for heritage conservation and management*. Support to the Promotion of Cultural Diversity (PCDK). JP - EU/CoE.
- Feilden, Bernard M., and Jukka Jokilehto. 1998. *Management Guidelines for World Cultural Heritage Sites*, ICCROM, UNESCO, ICOMOS. Second edition. Rome.
- Hua, Sun. 2010. World Heritage Classification and Related Issues—A Case Study of the “Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage”. *Procedia Social and Behavioral Sciences* 2: 6954–6961. Available online at www.sciencedirect.com
- ICOMOS. 2004. *The World Heritage List: Filling the Gaps - an Action Plan for the Future- An Analysis by ICOMOS*.
- ICOMOS. 2005. *The World Heritage List Filling the Gaps – an Action Plan for the Future*, compiled by Jukka Jokilehto. Contributions from Henry Cleere, Susan Denyer and Michael Petzet.
- Liu Jing, Jing, and Hu Yue. 2017. Anatomy of Gaudi's Curve Architectural Language. *Journal of Arts & Humanities* 06(07): 33-38.
- Mitchell, Nora, Mechthild Rössler, and Pierre-Marie Tricaud. 2009. *World Heritage Cultural Landscapes- A Handbook for Conservation and Management*. UNESCO.
- Rewerski, Jacek. 1999. *L'art des troglodytes*. Paris. Arthaud.
- Parise, Mario, Carla Galeazzi, Roberto Bixio, and Martin Dixon. 2013. Classification of artificial cavities- A first contribution by the UIS commission. In- Proc. 16th Int. Congr. *Speleological Research and Activities in Artificial Underground*. JO. Brno (Czech Republic).
- Schnierer, Eloise, Sylvie Ellsmore, and Stephan Schnierer. 2011. *State of Indigenous cultural heritage*. Report prepared for the Australian Government Department of Sustainability, Environment, Water, Population and Communities on behalf of the State of the Environment 2011 Committee. Canberra: DSEWPac.
- UNESCO. 1972. *Convention concerning the protection of the world cultural and natural heritage* Adopted by the General Conference at its seventeenth session. Paris.
- UNESCO. 1994. *Expert Meeting on the “Global Strategy” and thematic studies for a representative World Heritage List* (UNESCO Headquarters, 20 – 22 June 1994). Doc. WHC-94/CONF.001/INF.4. Paris, UNESCO World Heritage Centre.

- Varriale, Roberta. 2021a. Underground Built Heritage: A Theoretical Approach for the Definition of an International Class. *Heritage* 2021. 4: 1092–1118. <https://doi.org/10.3390/heritage4030061>
- Varriale, Roberta. 2021b. A Methodological Framework for the Underground Built Heritage Classification. 31-43. In *Underground Built Heritage valorization*, A Handbook Proceedings of the First Underground4value Training School, edited by Giuseppe Pace and Renata Salvarani.
- WTWHA. 1998. *Review of Aboriginal Involvement in the Management*. Australia.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۶ - پاییز و زمستان ۱۴۰۳

■ Developing a Typological Framework for Functional Troglodytic Architecture in Iran Based on the ICOMOS Classification Model

Mahnaz Ashrafi

Assistant Professor, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism

Amin Keyvanloo

M.A., Building Restoration, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism

The absence of a comprehensive typology for troglodytic heritage highlights the need for this study. The analysis and investigation of existing categories reveals that they are often limited and prone to ambiguities and confusion. This study aims to develop a framework for the thematic classification of troglodytic architecture in Iran, addressing the importance of classifying troglodytic architecture and the methodology for establishing a framework for the original function of Iranian troglodytic architecture. The study methodology involves a survey analysis based on field studies in Iran, as well as documentary and library sources, including documents concerning world heritage and existing troglodytic categories in Iran and around the world. Given the significance and diversity of this architecture in the country and aiming to align with recognized global literature on this subject, the ICOMOS World Heritage classification model was selected as the foundation of the proposed framework. The findings of the study reveal that, given the vast geographical extent and rich history of the country, the diverse troglodytic works of Iran do not significantly differ from constructed works in terms of function. Most of these functions can also be observed in troglodytic works. Investigations conducted on the existing classifications demonstrated that it is necessary to set up a classification based on the internationally recognized frameworks consistent with the various types of man-made caves in Iran. Thus, the ICOMOS World Heritage Classification Model was selected as the basis of the framework in order to integrate and utilize the recognized global literature. To avoid the scattering and overlap of subjects and achieve coherence and inclusiveness within the categorization, specific and significantly overlapping cases were excluded from the model. Finally, a framework for the function of typological works was developed by following the global terminology and classifications and analyzing the identified typological examples in Iran.

Keywords: Thematic Framework, Typology, Troglodytic Heritage, Iran.